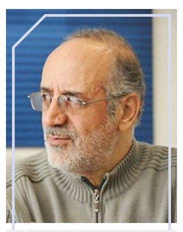
جمال شورجه (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

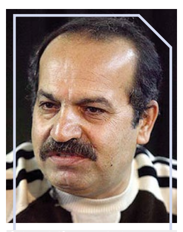
رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

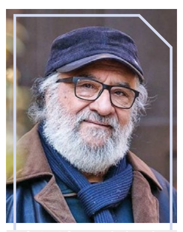
داریوش ارجمند (بازیگر)

داود میرباقری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (مستندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

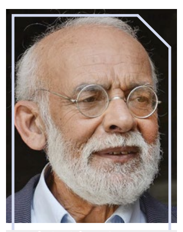
مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرج‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (پویانما)

مجید مجیدی (فیلمساز)

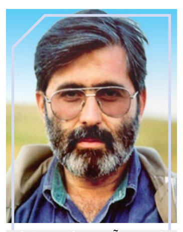
شهید آوینی (فیلمساز)

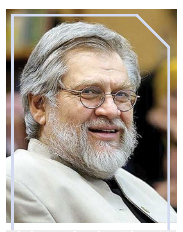
نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

وقتی رانت‌خوار ضدانقلاب طلبکار هم می‌شود!

سعید مستغاثی

بخش نود و هشت

جعفر پناهی (مقلد دست چندم فیلم‌های کیارستمی) که به دلیل همراهی و فعالیت در جهت فتنه ۱۳۸۸، به ۶ سال زندان و ۲۰ سال دوری از فعالیت‌های هنری محکوم شده بود، پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۶ و در مراسمی تحت عنوان جشن منتقدان، در حالی که به روی صحنه رفت تا دیپلم افتخار بهترین کارگردانی را به خاطر فیلم «ماجرای نیمروز» به محمد حسین مهدویان اعطا نماید، به گونه‌ای خارج از نزاکت و عرف بین‌المللی، این جایزه را به مهدویان نداد! و قصد ترک صحنه را داشت که با تلاش برخی از مجریان برنامه، دقایقی در کنار ایستاد تا مهدویان (که همچنان به وی احترام می‌گذاشت) از صحنه بیرون رفته و او دوباره برگردد و در برنامه اعطاء جایزه دیگری حضور داشته باشد! نکته جالب اینکه رسانه‌ها و وب سایت‌های زنجیره‌ای مانند رادیو زمانه، ضمن پروپاگاندا برای این خبر، اقدام پناهی را درخشش و دفاع وی از سینمای مستقل اعلام کردند!

این در حالی است که اولا خود جعفر پناهی اساسا با پول‌ها و رانت‌های دولتی فیلمسازی‌اش را آغاز و دنبال کرد و نخستین فیلم‌هایش که تقلیدی محض از سینمای کیارستمی بودند را در شبکه دو سیما ساخت! او پس از آنکه فهمید کاسبی در جای دیگری پررونق‌تر است، دکانش را در سفارتخانه‌ها و بالتبع جشنواره‌های خارجی باز کرد و به اصطلاح به دیاثت فرهنگی و سیاسی روی آورد و این بار بودجه‌ها را از دولت‌های بیگانه و محافل وابسته به کشورهایی همچون ایتالیا و فرانسه دریافت نمود.

حکم‌های رهایی‌بخش

وی پس از آنکه در فتنه ۸۸ به طور رسمی مزدبگیر کانون‌های معلوم‌الحال خارجی از کار درآمد، ضمن محکومیت در دادگاه انقلاب، علاوه‌بر زندان، متاسفانه ممنوعیت ۲۰ ساله از فیلمسازی نیز دریافت کرد و این حکم برای او که اساسا حد و اندازه‌ای بیش از یک فیلمساز آماتور سوپر ۸ نداشت، حکم معروفیت به حساب آمد که توانست توسط آن، همه نابلدی و سواد نداشته‌اش از سینما را پنهان ساخته و روی حکمی که هرگز اجرا نشد، مانور دهد؛ او همچنان فیلم ساخت و با کمک همان کانون‌های بیگانه، فیلم‌ها را به جشنواره‌های خارجی فرستاد و پیشاپیش هم جوایز خود را دریافت کرد! در جشنواره‌های یاد شده برایش صندلی خالی گذاشتند و به این صندلی خالی جایزه دادند!! و همین صندلی خالی را داور همه جشنواره‌های جهانی معرفی کردند! همه اینها در حالی است که پناهی در تمام سال‌هایی که برای محافل بیگانه فیلم می‌ساخت، همچنان حقوق بگیر شبکه دو سیما هم بود!

این استاد رانت خواری دولتی که «دارن آرنوفسکی» کابالیست هم مورد تحسین و تجلیلش قرار داد، دم از سینمای مستقل زد و برای نمایش فیلم‌هایی که بابتشان از سفارتخانه‌ها و محافل صهیونی سفارش و پول گرفته بود، سالن سینما طلبید!

و انجمن به اصطلاح منتقدان هم در یک اقدام غیر استاندارد، غیر حرفه‌ای و شعاری، وی را برای اعطای جایزه بهترین کارگردانی به روی صحنه برد که معمولا و در مراسم مشابه، فیلمساز یا کارگردانی که در مراسم سال قبل جایزه بهترین کارگردانی را گرفته و یا در عرصه کارگردانی دو سه سال اخیر، اثر قابل توجهی ارائه نموده برای چنین بخشی دعوت می‌شود نه کسی که آخرین اثر به اصطلاح سینمایی‌اش از یک فیلم آماتوری خاله زنکی فراتر نرفته و خودش نیز بی‌سوادی‌اش در زمینه سینما را بارها به رخ کشانده است اگرچه سفارتخانه‌ها و دولت‌های حامی تروریسم به وی جایزه هم بدهند!!

جشنواره سفارتی در تهران و ۲ شهر دیگر

سفارتخانه‌های خارجی در طول تاریخ معاصر ایران، همواره با مداخلات سیاسی و فرهنگی و اطلاعاتی، نقش مهمی را در نفوذ کشور متبوع خود در محل ماموریتشان، برعهده داشتند. چه در دوران جنگ‌های جهانی، چه در زمان اشغال ایران و چه در ایام مشروطیت.

اما با قطع ید از حاکمیت کانون‌های فراماسونی و درباری بر سینمای ایران که با وقوع انقلاب اسلامی و برقراری نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاد، در واقع مدیریت مستقیم خارجی‌ها بر فرهنگ و هنر این آب و خاک و علی الخصوص سینما، خدشه دار شد. از این پس بود که از یکسوی توسط جشنواره‌ها، سعی کردند، مدیریت گذشته خود برای سینمای ایران را مجددا برقرار سازند و از طرف دیگر بوسیله مؤسسات خارجی یا سفارتخانه‌ها و نفوذی‌هاو یا با ظاهر فرهنگ دوستی و هنرپروری تلاش داشتند این مدیریت را سر و سامان دهند.

این نفوذ از طریق سفارتخانه‌ها بر تولید فیلم‌ها و برگزاری جشنواره‌ها، در مقابل جشنواره‌ها و فیلم‌های سفارشی، فیلم‌ها و جشنواره‌های سفارتی نام گرفت که یک نمونه از آن را به نظرتان می‌رسانم و نمونه‌های دیگر را در بخش سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ملاحظه خواهید فرمود:

سفارت آلمان از ۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۹۶، «هفته فیلم آلمان» را در تهران و شیراز و کرمان برگزار کرد. در این هفته فیلم که با همکاری گروه هنر و تجربه سازمان سینمایی وزارت ارشاد برگزار شد، ۷ فیلم از آثار سینمای به اصطلاح هنری آلمان مابین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ به نمایش در آمد. این درحالی بود که در همین روزها (۶ تا ۱۰ آبان) «جشنواره فیلم زنان ایرانی» در شهر کوبلنتس آلمان توسط دولت این کشور برگزار شد (که در آن فیلم‌هایی همچون «گیلانه» و «عصر جمعه» به عنوان تصویر زن ایرانی به نمایش درآمد!) و حتی آنگلا مرکل (صدراعظم آلمان) برای حمایت از آن پیامی صادر کرد.

اما از فیلم‌هایی که در «هفته فیلم آلمان» توسط سفارت این کشور در تهران و دو شهر دیگر نمایش داده شد، برخی مانند فیلم»ققنوس»به افسانه هلوکاست پرداخته بود و ماجرای یک دختر یهودی را در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم روایت می‌کرد و برخی دیگر مانند فیلم «پدر»، از برگزیدگان جشنواره حیفا اسرائیل به شمار می‌آمدند. ضمن اینکه فیلم «ققنوس» از سوی «انجمن منتقدان سرگرمی‌های همجنس بازان» نیز نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی بود!!

جشنواره‌های سفارتی

پس از ماجرای «فیلم‌های سفارتی» که به سفارش برخی سفارت‌های بیگانه در ایران یا جشنواره‌های وابسته به آنها، شکل گرفت و فیلم‌هایش به خصوص در برخی فستیوال‌های اروپایی جایزه گرفتند، چشممان به «جشنواره سفارتی» هم روشن شد که سفارت آلمان نه فقط در تهران که در بعضی شهرهای دیگر کشورمان نیز فیلم‌های مورد نظرش را تحت عنوان هنر و سرگرمی نمایش داد.

البته سفارت آلمان در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب از جهت نفوذ در فضای فرهنگی ایران و سمت و سو بخشی این فضا، کارنامه قابل تاملی دارد؛ چه در پاییز ۱۳۵۶ و در آستانه اوج گیری نهضت مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) که با برپایی شب‌های شعر برای شبه روشنفکران با حضور شعرا و هنرمندان درباری، سعی کرد تا با رهبرتراشی و موازی سازی، در ماهیت اسلامی نهضت و رهبری آن خدشه وارد آورد، چه در سال‌های پس از انقلاب که همواره در کنار رویکرد براندازانه و ضد انقلابی نظام سلطه جهانی ایستاد (مانند حمایت تمام عیار از فتنه ۸۸) و چه در ساهای اخیر که تقریبا جای عربستان سعودی را پر کرده است!

اینک نیز با حضور افرادی مانند «توبیاس اشرف» (وابسته به محافل دولتی آلمان) در هفته فیلم این کشور، به نظر سفارت این کشور در ایران، همان طرح نفوذ فرهنگی را ادامه داد. «توبیاس اشرف» که با نام کوچک «توبی» و به عنوان منتقد سینمایی نیز معرفی شده، موسس»جشنواره فیلم هنری برلین» بوده که در جذب سینماگران و سرمایه‌گذاری برای ساخت آثار هم سو با طرح و برنامه‌های دولت و جشنواره‌های یاد شده فعالیت کرده است. نکته قابل تامل اینکه یکی از مهم‌ترین بخش‌های «جشنواره فیلم هنری برلین» به مدیریت همین جناب «توبی اشرف»، «New Berlin Porn» نام دارد که به نمایش آثار سخیف پورنو پرداخته و از این جهت در میان فستیوال‌های فیلم دنیا، منحصر به فرد است!

متولیان و مدیران سینمای ایران که برخی از آنها در افتتاحیه هفته فیلم آلمان نیز حضور داشتند و با وابستگان سفارت و دولت آلمان نیز تعارفات گرمی رد و بدل کردند، بایستی پاسخ می‌دادندکه اگر به آن شعار شبه روشنفکری دوری سیاست از هنر باور داشتید، پس این معانقه‌های هنری با وابستگان دولت آلمان چه صیغه‌ای بود؟! و اگر سیاست را همراه هنر می‌دانستید، چرا به جای نمایش فیلم‌هایی که به تصویر ارزش‌ها و آرمان‌های مردم این سرزمین بپردازد، آثاری مملو از سیاهی و نابهنجاری در جامعه ایرانی را برای آلمانی‌های نشان دادید؟!

کارشناسان نظر دادند

پشت پرده شبکه تی آرتی فارسی

TRT فارسی
TRT Farsça Uluslararası Dijital Haber Platformu
Bir Dünya,
Bir Hikâye
جهان،
روایت
Her İnsan Bir Dünya,
Her Haber Bir Hikâye
هر انسان یک جهان،
هر خبر یک روایت

تصویرروز- TRTفارسی، جدیدترین شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان است که توسط دولت ترکیه فعال شده است. TRT که مردم ترکیه آن را «تِ رِ تِ» مجموعه شبکه‌های تلویزیونی دولت ترکیه است که به زبان‌های مختلف پخش می‌شود. بخش فارسی زبان این دستگاه رسانه‌ای نیز آذر ماه امسال کار خودش را شروع کرد. با این حال، دو اتفاق عمده پیرامون این شبکه، حاشیه ساز شد؛ اول سخن محمد زاهد سباچی (رئیس مجموعه شبکه‌های TRT) بود که مهرماه امسال وقتی خبر راه‌اندازی قریب‌الوقوع بخش فارسی این شبکه را داد، اعلام کرد که قصد دارند بوسیله این شبکه ایران را اذیت کنند! دوم نیز همزمانی راه‌اندازی تی آر تی فارسی با حوادث سوریه و قرار داشتن دولت ترکیه به عنوان یکی از اضلاع این حوادث است. نکته قابل تأمل این است که سایت شبکه تی آر تی فارسی، همان ابتدا خبر دیدار جولانی سرکرده اشغالگران سوریه با مسئولان ارشد دولت ترکیه را به عنوان تیتر اول اخبار خودش به زبان فارسی کار کرد.

یار تعویضی تازه‌نفس تیم رسانه‌های ضدایرانی

سهیل سلیمی، نویسنده تهیه‌کننده و کارگردان مجموعه «جنایت نامرئی» درباره این اتفاقات گفت: TRT فارسی می‌خواهد یک کار قوی رسانه‌ای روی مردم ایران انجام دهد و از افرادی چون جولانی و تفکری که پشت آنهاست که یک تفکر تروریستی است قبح زدایی و تطهیر کند و با چهره بزک شده‌ای که از آنها نمایش می‌دهد به مردم ایران بگوید که ببینید این‌ها خیلی شیک و مرتب جایگزین دولتی شدند که نمی‌توانست کشور را اداره کند، قطعا در ابتدا پول پاشی‌هایی هم خواهند کرد تا اوضاع را مثبت جلوه دهند و رضایت کسب کنند. البته با توجه به این وضعیتی که به جان هم افتاده‌اند بعید است این اوضاع طولانی باشد و بتوانند به پز سیاسی خودشان ادامه دهند. اما به هر حال تلاش دارند تا این باور را به مخاطب ایرانی القا کنند که اشغال سوریه خوب است و شما هم باید به همان سمت بروید!

کارگردان فیلم سینمایی «فرشتگان قصاب» در گفت‌وگو با هفته نامه صبح صادق، در ادامه مطالب فوق افزود: حدود دو سال قبل یک صوت از رعنا رحیم پور خبرنگار اینترنشنال منتشر شد که می‌گفت به خبرنگاران ما گفته‌اند فقط با سران تجزیه‌طلبی مصاحبه کنیم تا از این طریق موضوع تجزیه ایران پررنگ شود. علی اصغر رمضان پور هم که قبلا کارشناس اقوام و اقلیت‌ها در وزارت کشور بوده به عنوان سردبیر این شبکه منصوب شد. یعنی برنامه‌شان این بوده تا گسل‌های قومی را در ایران فعال کنند. شبکه تی آر تی هم از طریق نفوذ رسانه‌ای همین اهداف را دنبال خواهد کرد. یعنی پشت پرده این شبکه اهدافی برای تحریک گسل‌های قومیتی وجود دارد.

وی فعالیت شبکه تی آر تی فارسی را در جهت سریال‌های تاریخی و راهبردی این کشور دانست و گفت: ترکیه‌ای‌ها بیش از ۱۵ سال است که در حال تولید سریال‌هایی پرجاذبه و با قدرت دراماتیک بالا با سرمایه‌گذاری هنگفت و مکرر هستند که وقایع‌شان در ایران می‌گذرد و در حال تحریف تاریخ به نفع خودشان هستند. مثل سریال «سلجوقیان بزرگ» که ادعا می‌کند ایران فاقد تمدن ویژه‌ای بود و توسط آنها به تمدن دست یافت! آنچه در تیزر تی آر تی فارسی پررنگ است نشان می‌دهد که به شدت در پی باستان گرایی است و در دل این رویکرد به شکل موزیانه‌ای میل کرده به ایران قبل از انقلاب. یعنی هر آنچه از فرهنگ و تمدن ایران در این تیزر نمایش می‌دهد درنهایت به نشانه‌هایی از ایران پیش از انقلاب منتج می‌شود. هر کس با رسانه و نحوه تأثیرگذاری تیزر بر ناخودآگاه مخاطب آشنا باشد، متوجه می‌شود که چیدمان این تصاویر بردن انسان ایرانی به گذشته است. هر چند که این چیدمان با ظرافت انجام شده است. اما آگاهان رسانه می‌فهمند که خط اصلی این تیزر بازگشت به عقب است. یعنی تی آرتی فارسی به دنبال این است که انسان ایرانی را در محدوده زمانی حال تسخیر کند و به گذشته پرت کند. طی سال‌های اخیر هم دیده‌ایم که یکی از رویکردهای اصلی شبکه‌های فارسی زبان بیگانه، بزک کردن دوران سیاه پهلوی بوده است. سلیمی درباره نسبت و جایگاه شبکه تی آر تی فارسی در بین سایر شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان توضیح داد: مثل بازی فوتبال که در آن بازیکنانی با هم تعویض می‌شوند، این را درباره شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان هم می‌توانیم در نظر بگیریم. واقعیت این است که افسار کلی همه این شبکه‌ها دست صهیونیسم جهانی است و هیچ کدام از آنها اختیاری از خودشان ندارند. اتفاقا TRT فارسی زمانی فعالیت خود را آغاز کرده که تأثیرگذاری اینترنشنال پایین آمده و من و تو از دست رفته و بی‌بی سی مخاطب حرفه‌ای گذشته خودش را به شکل عام از دست داده و جایگاه سابق را در ایران ندارد. در این شرایط نیاز بود تا یک شبکه جدید به میدان بیاید و آن خلاء را پر کند. کارویژه دوم TRT این است که به عنوان یک بازیکن جدید و تازه نفس معادلات رسانه‌ای غرب را با یک شکل و رنگ و لعاب و آدم‌های جدیدی دنبال کند. وظیفه سوم این است که مرجعیت رسانه‌ای را به غرب برگرداند، چونکه رسانه‌های فارسی زبان بیگانه دو سالی است که مرجعیت رسانه‌ای گذشته را ندارند.

رسانه‌ای برای اغواگری

دکتر علیرضا داوودی (کارشناس و تحلیلگر ارشد حوزه رسانه) گفت: تیزر TRT فارسی ترکیبی از آذربایجان (Az TV) و روزهای آخر شبکه من و تو است. ترکیب موسیقی اغواگرایانه، فرم‌بندی ایران آنکارایی- استانبولی-ازمیری که یک فرم بی‌بی سی را نیز به خود داده است. بنابراین؛ TRT فارسی برای افزایش شبهات راه‌اندازی نشده است بلکه آمده تا بخش اغواگری که رسانه‌های بیگانه در ایجاد شبهه و تردید در ایران از دست داده‌اند، احیا کنند تا بتوانند از این طریق اقناع را به اشباع تبدیل کنند و مخاطب را مجدد با یک پدیده اجتماعی زودهنگام وارد عرصه عملیاتی در جامعه کنند و این به معنی بستن رینگ‌ها و محیط‌ها و معناهای هم زیست گونه یا هم مرز گونه است.

وی که در برنامه امواج شبهه رادیو گفت‌وگو سخن می‌گفت، در ادامه افزود: وی افزود: بی‌بی سی به هیچ عنوان نمی‌تواند با ایرانی‌ها هم مرزی ایجاد کند. اما شبکه‌ای که هم مرز است و قومیتی می‌تواند داشته باشد می‌تواند خلاء انقطاع رابطه عاطفی مخاطب با رسانه را برقرار کند. قاعدتا مردم ایران به ترکیه بیشتر از انگلستان سفر می‌کنند. پس از همین فرصت استفاده می‌کند. وی همچنین به روش عشق مرده اشاره کرد و گفت: در این تکنیک بازی با اعداد صفر برای اعتبار دادن به یک است. ولی هر چه تعداد صفر بیشتر باشد ولی پشت یک قرار بگیرد، آن صفر مرده به حساب می‌آید و هیچ اعتباری به یک نمی‌دهد. بنابراین؛ اگر این صفر مرده را جلوی یک قرار دهیم، خوانده می‌شود یک و چند صفر. فرآیندی که امروز رسانه‌های بیگانه طی می‌کنند، وزن کشی در مرحله جابه جایی صفرها پشت یک یا جلوی یک است و ترکیه سال‌هاست که در منطقه صفر پشت یک است. اما بی‌بی سی ورد یک به شمار می‌آید و بی‌بی سی فارسی صفر پشت یک به حساب می‌آید. درست است که در دو دهه اخیر ارتفاع گرفته است اما اکنون ارتفاع آن در حال کم شدن است.

داوودی اضافه کرد: در بحث عشق مرده همیشه دو موضوع حائز اهمیت است. آن یک پشت صفر را چه کسی می‌تواند زیر رادیکال ببرد؟ TRT فارسی نیز به دلیل اینکه صفر پشت یک است و یا در اصل ترکیه صفر پشت یک است، هدف از راه‌اندازی آنها احیای هویت منطقه‌ای است. تا به او بزرگ منطقه گفته شود. بنابراین؛ دنیایی که در حوزه رسانه وجود دارد، دنیای متعارف، دنیای یک و تعدادی صفر است و دنیای نامتعارف، یعنی توانمندی در بازی دادن آن یک با صفرهای مرده‌ای که وجود دارد. آن وقت عشق متصل به صفر مرده، خود عشق مرده خواهد شد. در نتیجه در بحث عشق مرده، مهم‌ترین راهکار همیشه باید این باشد که چگونه صفرها را جلوی یک قرار دهیم و آن را زیر رادیکال ببریم که به آن توانمندی رسانه تحت عنوان نامتوازن و نامتقارن گفته می‌شود. رسانه‌ای که نامتوازن باشد، می‌تواند عشق مرده را ایجاد کند و رسانه‌ای که نامتقارن باشد، می‌تواند یک را حتی اگر صفرها را جلوی یک قرار بدهد، زیر رادیکال قرار دهد. یعنی؛ قدرت استنباط عاشقانه‌های کشوری مانند ترکیه یا رژیم صهیونیستی یا آمریکا و... کاملا فرو بریزد.

داودی در ادامه گفت: در این صورت باید دو اقدام را مد نظر داشت. اولا؛ مفهومی تحت عنوان سازمان رفتار رسانه‌ای داریم. رادیو فردا، بی‌بی‌سی فارسی، من و تو، صدای آمریکا، TRT، شبکه ۱۲، مسیح علی‌نژاد و... جزو سازمان رفتار رسانه‌ای علیه آزادی، آزادگی، مقاومت، اسلام، خدا و پیغمبر هستند. سازمان رفتار رسانه‌ای TRTهمان سازمان رفتار رسانه‌ای علیه ایران در وزارت خارجه انگلستان، آمریکا و... است.

وی به مفهومی تحت عنوان تیپ سازی اشاره کرد و گفت: شبکه TRT قرار است همان کاری را که‌هالیود با زلنسکی، یا همان کاری که با جولانی کرد، انجام می‌دهد و چه تیپ سازی بهتر از قرابت جغرافیایی؟ اما در این‌جا خلایی وجود دارد. به دلیل اینکه از سال ۱۴۰۰ مرتب تست کرده‌اند که هر چه ضربه وارد کرده‌اند، بازخوردی دریافت نکرده‌اند. یعنی ما همه آفندها علیه خود را پذیرفته‌ایم و هیچ پدآفندی نیز انجام نداده‌ایم، تیپ محدب را به تیپ مقعر تبدیل می‌کنند. TRT هم یک بخشی از رفتار سازمان رسانه‌ای است. به همین دلیل شبکه TRT ترکیه به زبان فارسی، معادل رسانه‌های دیگر موفقیت‌آمیز نخواهد بود ولی قطعا این شبکه در تیپ سازی موفق خواهد بود. به دلیل اینکه یک پهنه‌ای از کشور ما را می‌تواند، در بر بگیرد. بنابراین؛ باید حواسمان به فرم جنس عشق مرده‌ای که به کار می‌گیرند، باشد. اینکه در داخل کشور چه میزان رفتار سازمان رسانه‌ای داریم؟ سؤالی است که باید به آن پاسخ داده شود و اینکه در جمهوری اسلامی توانسته‌ایم این عبارت را به عنوان یک استراتژی تجزیه و تحلیل کنیم.

سهم دولت ترکیه در ناامنی روانی مردم ایران

دکتر سینا قربانی (کارشناس و تحلیلگر حوزه رسانه) اما معتقد است: قرار نیست این شبکه به همان مدل بی‌بی سی فارسی، صدای آمریکا، اینترنشنال و مجموع رسانه‌های فارسی زبان خارجی فعالیت کند. تولد این رسانه در مقطع فعلی و پس از تحولات سوریه و نقش ترکیه در سوریه مفهومی برای خاورمیانه و جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد.

بی‌بی‌سی فارسی و اینترنشنال نمی‌توانند هم مرزی با ایران داشته باشند، ولی تُرک‌ها به دلایل مختلف می‌توانند این هم مرزی را ایجاد کنند. لذا؛ حضور این رسانه ترکی در مقطع فعلی سرعت بخشیدن به تحولات ضداجتماعی در آینده بسیار نزدیک است. تا اگر ناآرامی در داخل کشور صورت بگیرد، این رسانه ضدایرانی با فرم و محتوای جدید بر سرعت این ناآرامی بیافزاید.

وی که در برنامه امواج شبهه سخن می‌گفت، تاکید کرد: در ماه‌های آینده با تهاجم ترکیبی جدی روبه رو خواهیم شد که منشا این تهاجم از داخل کشور خواهد بود. این کارشناس معتقد است: TRTفارسی، برای ایجاد یک کنش مشترک در یک مقطع مشترک به‌وجود آمده است. به نظر می‌آید که این شبکه قرار است در ناامنی‌های روانی که رسانه‌های ضدایرانی شکل داده‌اند، سهیم باشد.

قربانی با تاکید بر اینکه رسانه‌های ضدایرانی دارای سیاست خطی و نقطه‌ای هستند، گفت: در سیاست نقطه‌ای رسانه ضدایرانی، که در حال حاضر هدف تحریک و ناامن کردن افکار عمومی است. TRT می‌تواند، در یک مقطع و مرز مشخص، کنش مشترک خلق کند.

وی در پایان گفت: برخلاف حریف و دشمن که در یک ستاد مشترک علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. متاسفانه ما هیچ گاه یک ستاد مشترک عملیات رسانه‌ای نداشتیم.

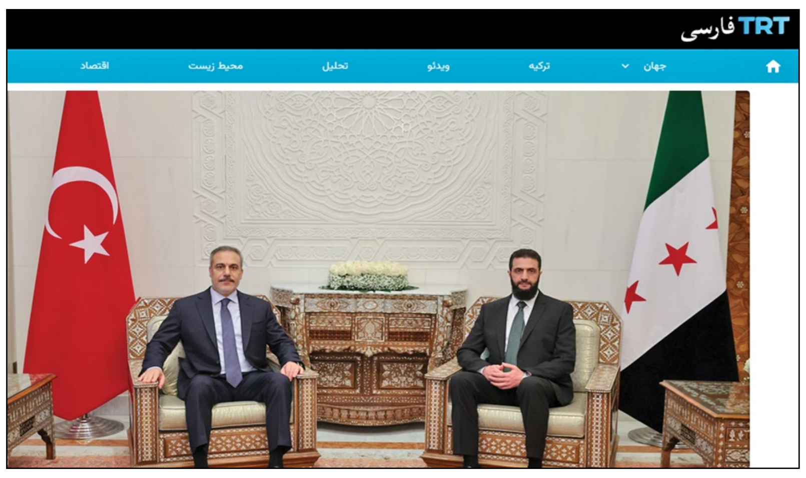

افسانه عینی‌گرایی رسانه‌های معاند و اینستاگرام

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

این روزها به دلیل سرعت تحولات جهانی، بی‌وقفه شاهد گسترش انواع و اشکال فعالیت‌هایی -چه در رسانه‌های جمعی و چه فضای مجازی- هستیم که طی آنها تلاش می‌شود تا به انحاء مختلف، جذب مخاطب و تاثیرگذاری بر وی به نحو مطلوب افزایش یابد.

پیش از این در همین ستون درخصوص بعضی از تکنیک‌های عملیات روانی در رسانه‌ها (از جمله تحریک، حذف بخشی از سند، تقطیع، جهت دار کردن و...) مطالبی ارائه شد و با توجه به تغییر تاکتیک‌های رسانه‌ای در چند وقت اخیر از سوی رسانه‌های معاند و به ویژه شبکه صهیونیستی فارسی زبان اینترنشنال و مطرح شدن موضوع افتتاح شبکه فارسی زبان TRT ترکیه، به نظر می‌رسد که باید به بازخوانی روش‌های دیگر عملیات‌های روانی رسانه‌ای نیز بپردازیم.

«ارائه اطلاعات گزینش شده» یکی از تکنیک‌های مؤثر رسانه‌ای به ویژه در بستر فضای مجازی و اینستاگرام است که مخاطب را در مقابل انبوهی از اطلاعات درست و نادرست قرار می‌دهد و توازنی از نوع هماهنگی در این تکنیک به کار رفته تا مخاطب ناگزیر به نتیجه گیری بر اساس نقطه مطلوب رسانه شود و به طور واضح رسانه یا تبلیغاتچی با استفاده از این تکنیک مترصد است تا پاسخ‌های مثبت و منفی بر حسب اهداف خود را به مخاطب بقبولاند و افکار عمومی را به سمتی هدایت کند که مخاطب خود را در نتیجه دریافت‌های شخصی، تصمیم گیری مستقل و برتر از دیگران ببیند و به آنچه از قبال تصمیم شخصی به آن رسیده است تعصب و تعلق جدی داشته باشد.

این نوع استقلال به درک خبر در رسیدن به حقیقت وقایع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، متاسفانه بعد از ماجراهای فتنه سال ۸۸ هر چه جلوتر آمدیم پررنگ‌تر شد و دامنه بیشتری از افراد را در جامعه در برگرفت که در وقایع بعدی از جمله ماجراهای گرانی بنزین سال ۹۸ و اغتشاشات موسوم به زن، زندگی، آزادی بیشتر خودش را نشان داد که به طور کلی چون هر کس خودش را دارای دیدگاه کامل و عقل برتر نسبت به دیگران می‌بیند تا حدودی شکاف در نوع تعاملات اجتماعی به وجود آمده و صحبت کردن درخصوص دیدگاههای مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وارد مرحله‌ای از جریان سازی اجتماعی و گفتمانی شده است که امکان گفت‌وگوی راحت و آسوده و بدون شنیدن توهین و اهانت کمتر دیده می‌شود؛ مگر آنکه در حقیقت وجودی فضای فرهیختگی بتوان این نوع گفت‌وگو را پیش برد که آن هم ماجرای بس پیچیده نسبت به ماهیت و بستر و اهالی خود دارد.

توجه به رسانه در جهان از چنان ویژگی تاثیرگذاری برخوردار شده است که تصور جهان بدون رسانه و بخصوص رسانه‌های جمعی و مجازی مثل تصورتنفس بدون اکسیژن است و مسلم است که این مهم یک امر غیر ممکن و برگشت ناپذیر به پیش از زمان بروز و ظهور رسانه‌های شناخته شده امروزی قلمداد می‌شود.

«چینش خبری» از بدوی‌ترین و از ابتدائی‌ترین تکنیک‌های عملیات روانی در سطوح مختلف به کار گیری تاکتیک‌های رسانه‌ای هست که گر چه ساده و تا حدودی نخ نما محسوب می‌گردد؛ اما هیچ‌گاه رنگ کهنه گی به خود نمی‌گیرد و همواره از اصول پایه‌ای برای تاثیرگذاری بر طیف‌های مختلف جامعه هدف رسانه‌ای محسوب می‌شود و منظور از آن، کنار هم قرار دادن چندین خبر به شکلی است که نتیجه مطلوبی را به ذهن مخاطب القا نماید و در بین اهالی خبر و رسانه، معروف و مشهور به خط خبری نیز می‌تواند باشد.

ایجاد ابهام به نقل از منابع و اشخاص ناآگاه و نامعتبر و یا مطلع، بدون به‌کار گیری مرجع و منبع اصلی خبر یکی دیگر از تکنیک‌ها برای تحت تاثیر قرار دادن مخاطب است که در این نوع تکنیک عملیات روانی، ارجاع به منبع خبر یا خبرهای تایید نشده به کار گرفته می‌شود که با این شیوه نیاز و الزامی به اثبات اصالت، هویت و ماهیت خبر نیز وجود ندارد و با استفاده از ساده انگاری و اعتماد یکسویه مخاطب می‌توان هر آنچه هدف از طراحی خبر است را به او منتقل کرد.

والتر لیپمن(۱۹۲۰) درخصوص انتقال مفهوم خبر و جمله، جمله‌ای معروف دارد که می‌گوید:«برای جامعه‌ای که فاقد ابزار کشف دروغ است آزادی معنایی ندارد» این جمله والترلیپمن قابل تعمیم به تکنیک دیگر رسانه‌های امروزی است که تلاش دارند تصویر دیگری غیر از حقیقت فعالیت خود را به مخاطب نمایش بدهند و با به‌کارگیری تکنیک‌های متنوع می‌کوشند حقیقت را پنهان کنند و بهترین روش برای این موضوع نیز به‌کارگیری تکنیک« پیچیده کردن خبر برای کشف حقیقت» است که امروزه شیوه پنهان کردن حقیقت، محرمانه نگهداشتن آن نیست؛ زیرا که ذات خبر فرّار است و به محض یافتن مجرایی، به داخل جامعه نفوذ و بر بستر آن تاثیر می‌گذارد.

زمانی در یک مقاله که فراموش کردم کجا و برای چه کسی بود قریب به این مضمون خواندم: «نظام‌های رسانه‌ای برای پنهان ماندن حقیقت، موضوع را آن چنان با اخبار و اطلاعات فراوان و گاه ضد و نقیض، پیچیده می‌کنند که مخاطب نتواند از لابه لای مطالب به حقیقت دست یابد...» و متاسفانه هم اکنون در پیرامون جغرافیای منطقه غرب آسیا و در سایر نقاط جهان شاهد هستیم که رسانه‌ها سرکوب بسیاری از جنبش‌های مردمی و کوچک‌نمایی اسفبار و ضد بشری اقدامات سیاسی و اقتصادی و نظامی قدرت‌های بزرگ و غاصب در کشورهای ضعیف جهان و نیز حقیقت رخدادهای مثل غزه، لبنان، سوریه و... را از طریق مخدوش ساختن اخبار مربوطه در دستور کار خود قرار دادند و پنهان سازی اخبارر از شیوه‌های مرسوم آنهاست.

ایجاد گستردگی و موج خبری «پروپاگاندا» نسبت به یک خبر خاص یکی دیگر از شیوه‌های معمول در رسانه‌های نوین مجازی و رسانه‌های اصلی و تابعین فارسی زبان آنهاست که معاند با جمهوری اسلامی ایران نیز هستند و گاه با عدم پوشش وقایع حقیقی و در اکثریت مواقع با فوریت بخشیدن به موضوعات ناچیز به ساخت خبرهای خاص می‌پردازند که می‌توان آن را تحت عنوان « فوریت بخشیدن ساختگی به خبر» ذکر کرد.

در این نوع ایجاد و پوشش خبر، رسانه‌های منعکس‌کننده عموما افکار، اهداف و ایدئولوژی طبقه حاکم بر رسانه را به ظاهر به طور آزاد و مستقل با فوریت بخشیدن به خبر خاصی به صورت متضاد و با ایجاد دوگانگی به پیش می‌برند و سعی در توجیه وجوه مختلف خبر برای مخاطب دارند و خبر برساخته از سناریوی خبری خود را به نحوی در ذهن مخاطب، ضمن رساندن به مرحله باور از مراحل تطهیر نیز عبور می‌دهند تا مخاطب به طور ویژه و خاص یک خبر در عالم عدم و یا بر ساخته از صنعت مبالغه را به اتم حالت ممکن قبول کرده و تحت تاثیر قرار بگیرد.

در این تکنیک و روش، اصولی موجود است که مرحله گزینش خبر به آن دلالت و دخالت دارد. روش امروز رسانه‌های بازار محور، بی‌دلیل به سمت و سویی خاص متمایل نمی‌شود، بلکه غالبا مسیر ثابتی را می‌پیماید که نوعی مدیریت بر اقشار ناتوان و ضعیف در همه سطوح در آنچه در بعد اقتصادی و چه در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی احساس می‌شود.

ایجاد مقایسه و استناد به آمار، ارقام و اسنادی که در عمل امکان بررسی درستی و نادرستی آنها وجود ندارد بخصوص در فضای مجازی از جمله تکنیک‌های اقناعی مخاطبین باورپذیر و ساده است که نظام‌های رسانه‌ای و بالاخص اینترنشنال و شبکه‌های تلویزیونی مشابه به این شبکه از آن بهره می‌گیرند و در موقعیت‌های خاص همچون وقایع اجتماعی، انتخابات، جنگ، موضوعات اقتصادی و... آن را به کار می‌گیرند.

مایل بارنتی از کارشناسان برجسته رسانه‌ای جهان در جمله‌ای قابل تعمق می‌گوید: «افسانه عینی‌گرایی را نباید زیاد جدی گرفت» این در حالی‌است که اغلب مخاطبان رسانه‌ها پذیرفته‌اند که رسانه‌ها عینی‌گرا هستند و به بازتاب رویدادها می‌پردازند در حالی که اصل موضوع چیز دیگری‌است و واقعیت امر آن است که رسانه‌ها به نام خبر، نظر می‌فروشند و این مخاطب است که باید با خودش بیندیشد که آیا حاضر است به هر قیمت و یا به هر شکلی، نظری را غیر از نظر بومی، هویتی، فردی، اجتماعی و فرهنگی... خود بپذیرد؟ وگرنه رسانه‌های هدفمند و در خدمت قدرت‌ها به ذات وجودی خود برای آنچه که به وجود آمده‌اند فعالیت می‌کنند و پذیرش و عدم پذیرش و تاثیرپذیری و عدم تاثیر پذیری از اختیارات هر فردی است که در مواجهه با رسانه‌ها قرار دارد.